

تحلیل الگوهای زیستی سامانه‌های عشایری با تأکید بر رویکرد معیشت پایدار (مورد مطالعه: کانون‌های عشایری شهرستان ملارد)

وحید ریاحی* - دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
اصغر طهماسبی - استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
سمیه عزیزی - دانشجوی دکتری گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: شناخت جوامع عشایری از حیث قابلیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و تنگناها و چگونگی تعامل آن‌ها از ضروریات برنامه‌ریزی توسعه پایدار است. از این رو بر اساس معیشت پایدار ضرورت دارد، وضعیت پایداری زندگی و امکانات معیشتی آنان مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.

هدف پژوهش: پژوهش حاضر با هدف شناسایی الگوهای زیستی در چارچوب رویکرد معیشت پایدار، بر آن است تا مقایسه‌ای از سرمایه‌های معیشتی پنج‌گانه انسانی، اجتماعی، فیزیکی، مالی و طبیعی در دسترس این الگوهای زیستی داشته باشد.

روش‌شناسی تحقیق: پژوهش پیش رو، به لحاظ هدف کاربردی و از نوع کمی و توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری شامل دو گروه عشایر اسکان‌یافته و عشایر نیمه‌کوچنده مجموعاً با تعداد ۵۲۰ خانوار است. با استفاده از فرمول اصلاح‌شده کوکران ۱۲۶ خانوار و از هر گروه ۶۳ خانوار، به عنوان حجم نمونه تعیین شد. گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و پیمایشی با فن مصاحبه و پرسشنامه انجام گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزار Spss23 از Student-T-test استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: شهرستان ملارد در استان تهران، دارای چهار دهستان به نام‌های اخت‌آباد، بی‌بی سکنه، ملارد جنوبی و ملارد شمالی است. عشایر این شهرستان در دهستان اخت‌آباد از توابع بخش صفادشت، استقرار یافته‌اند.

یافته‌ها و بحث: الگوهای زیستی عشایر شهرستان ملارد به دو شکل است. یک گروه عشایر اسکان‌یافته‌اند و گروه دیگر عشایر نیمه‌کوچنده. وضعیت دارایی‌های معیشتی در بین این دو گروه تفاوت‌های چشمگیری داشته به طوری که شرایط زندگی آنان را برای ادامه کوچ یا اسکان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج: نتایج نشان داد میانگین شاخص سرمایه انسانی در گروه عشایر اسکان‌یافته ۳/۴۵ و عشایر نیمه‌کوچنده ۳/۴۰ بود. از سوی دیگر، شاخص سرمایه اجتماعی در گروه عشایر نیمه‌کوچنده با مقدار ۳/۷۶ نسبت به عشایر اسکان‌یافته با مقدار ۳/۱۸ دارای ارزش بالایی بوده است. شاخص سرمایه فیزیکی به ترتیب ۳/۸۳ و ۲/۹۸ در گروه عشایر اسکان‌یافته و عشایر نیمه‌کوچنده به دست آمد. سرمایه مالی در گروه عشایر اسکان‌یافته ۳/۹۷ و عشایر نیمه‌کوچنده ۲/۹۸ بود. میانگین سرمایه طبیعی در این دو گروه تفاوت بسیار کمی داشت و به ترتیب ۱/۲۲ و ۱/۴۲ در گروه عشایر اسکان‌یافته و در گروه عشایر نیمه‌کوچنده بود؛ بنابراین می‌توان گفت، میانگین سرمایه‌های اجتماعی و طبیعی عشایر نیمه‌کوچنده بالا بوده است. علاوه بر این کل دارایی‌های معیشتی عشایر اسکان‌یافته و نیمه‌کوچنده به ترتیب ۳/۱۳ و ۲/۹۱ بود. پس میانگین کل دارایی‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای در گروه عشایر اسکان‌یافته در مقایسه با گروه عشایر نیمه‌کوچنده بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: الگوهای زیستی، معیشت پایدار، اسکان عشایر، سامانه‌های عشایری، شهرستان ملارد.

مقدمه

جامعه عشایری ایران در طول تاریخ، الگوهای مختلف زیست در کشور را تشکیل داده است. در دوره‌های تاریخی پیشامدرن این جامعه از قدمت و اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده ولی ورود مدرنیته، بقای این شیوه قدیمی زیست را به تغییر و تحول جدی وا داشت (شاطری و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). نهایتاً در طی فرایندی چندین دهه‌ای به کمرنگ شدن نقش این شیوه زیست، به سود دو قطب دیگر زیست (روستایی و شهری) انجامید (آیین‌نامه ساماندهی عشایر کشور، ۱۳۹۵: ۱۴). آشکارترین نمود این تغییر و تحول، تبدیل زندگی کوچ‌چندگی به نیمه‌کوچ‌چندگی، رمه گردانی، دهواره نشینی و در نهایت به‌سوی یکجانشینی است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۳). مجموعه مسائل فوق بیانگر این واقعیت است که جامعه عشایری نمی‌تواند از روند تغییر و تحولات روزافزون دورمانده و به زندگی خود ادامه دهد (شکور و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). پس به تناسب تغییرات، تحولاتی در شیوه زندگی و معیشت این جماعت ایجاد شده است (یاسوری، ۱۳۹۲: ۲۶۵). در شرایط امروزی ایران که جامعه عشایری با تغییر و تحولات در عرصه‌های مختلف زیستی و معیشتی روبرو شده است، شناخت این جوامع از حیث قابلیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و تنگناها و چگونگی تعامل آن‌ها برای کل‌نگری از ضروریات برنامه‌ریزی توسعه پایدار می‌باشد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). یکی از مهم‌ترین رهیافت‌های نوین در توسعه پایدار، رهیافت معیشت پایدار است. این رهیافت شیوه‌ای برای اندیشیدن و تلاش برای دستیابی به توسعه است و بهتر می‌تواند زمینه بهبود شرایط زیست و معیشت را فراهم آورد، زیرا هدف و ایده اصلی معیشت پایدار استفاده از منابع، دارایی‌ها و سرمایه‌های موجود می‌باشد (Carney, 1999: 1-3). این شیوه زیست با داشتن سابقه چند صد ساله استقرار در استان تهران و دامداری مبتنی بر کوچ، جایگاه بایسته خود را دارا نمی‌باشد. جمعیت کم عشایر نسبت به جمعیت بالای کلان‌شهرهای تهران و کرج، تمرکز صنایع و خدمات و گسترش شهرنشینی و تغییر کاربری‌ها در اراضی استان تهران سبب کمرنگ دیده شدن ساماندهی عشایر شده است (برنامه راهبردی ساماندهی عشایر استان تهران در افق ۱۴۰۴، ۱۳۹۵: ۳). معیشت پایدار در اواخر دهه ۱۹۸۰ با کار رابرت چمبرز آغاز شد. این رویکرد، خواستار کاهش فقر است (Farrington et al, 1999: 2). چمبرز معیشت پایدار را چنین تعریف نمود: معیشتی است که قابلیت‌ها، دارایی‌ها (ذخایر، منابع، خواسته‌ها و دسترسی) و فعالیت‌های مورد نیاز برای یک زندگی را در برمی‌گیرد. معیشت زمانی پایدار است که قادر به مقابله و بازیابی از استرس‌ها و شوک‌ها باشد و قابلیت‌ها و دارایی را حفظ نموده یا ارتقا دهد و فرصت‌های معیشتی پایداری را برای نسل‌های آینده فراهم نموده و مجموعه مزایایی را برای معیشت دیگران در سطوح محلی و جهانی و در کوتاه‌مدت و بلندمدت به اشتراک بگذارد (Chambers, 2005: 5). بر اساس الگوی سازمان بین‌المللی توسعه، سرمایه‌های معیشتی شامل سرمایه‌های انسانی (مهارت‌ها، دانش، سلامت)، اجتماعی (انسجام، امنیت، مشارکت)، فیزیکی (انبار، سیلو، مسکن، آب، انرژی)، مالی (پول، سرمایه) و طبیعی (آب، کیفیت هوا، اکوسیستم) می‌شود (Ellis, 1999: 2-3؛ DFID, 1999؛ ویسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲۳). رویکرد معیشت پایدار تلاش می‌کند تا عواملی که روی معیشت مردم اثر می‌گذارند و روابط بین این عوامل را، شناسایی کند. این رویکرد می‌تواند به برنامه‌ریزی فعالیت‌های آینده و ارزیابی برنامه‌های در دست اقدام کمک کند (De Haan & Zoomers, 2005: 28).

در ادامه به پژوهشی‌های مرتبط با موضوع در چارچوب رویکرد معیشت پایدار اشاره می‌شود.

چراغی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله خود با عنوان تحلیل پایداری معیشت و شیوه سکنی‌گزینی عشایر در شهرستان ایلام، نشان دادند که نبود زیرساخت‌های مناسب، کمبود نقدینگی، کمبود منابع آب کافی و سالم، عدم توجه به دانش بومی، عدم مشارکت گروهی، عدم تمایل نیروی کار خانوادگی در فعالیت‌های عشایری از مهم‌ترین چالش‌ها در مسیر پایداری معیشت عشایر و انتخاب شیوه سکنی‌گزینی است. نتایج مقاله‌ای با عنوان سنجش سطح دارایی‌های معیشتی مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (۱۳۹۵)، به کوشش سجاسی قیداری و همکارانش نشان می‌دهد دارایی اجتماعی در بین روستاهای مورد مطالعه در رتبه اول و دارایی انسانی در رتبه آخر قرار می‌گیرد. بریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر بر معیشت خانوار در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان قصرقند، به این نتیجه رسیدند که معیشت نواحی روستایی در سطح پایین بوده و بیانگر ضعف در زیرساخت‌ها و سرمایه‌های معیشتی است. صادق زاده و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان تحلیل پایداری اراضی شالیکاری شهرستان رشت با رویکرد معیشت پایدار، به بررسی نقش استراتژیک برنج بر معیشت شالیکاران پرداخته‌اند. آنان نتیجه گرفتند که سود ناشی از برداشت این محصول بر پایداری سرمایه‌ها اثرگذار مطلوب دارد؛ اما می‌توان گفت که سرمایه انسانی وضعیت بهتری نسبت به سایر سرمایه‌ها داشته است. در مقاله‌ای با موضوع بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی

فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوه معیشت (۱۳۸۹)، به کوشش شکور و رضایی، نتایج بررسی نشان از بنیان‌های ضعیف مالی عشایر کوچنده داشت. همچنین شیوه تولید هماهنگی‌های خود را با مقتضیات زمان از دست داده و متحول شده است به گونه‌ای که عشایر، گرایش برای دگرگونی در شیوه تولید و معیشت را دارا بودند. مهدوی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته نسبت به اسکان در چهارمحال و بختیاری (۱۳۸۸)، وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر در کانون‌های خودجوش و هدایتی را بررسی کردند. نتایج نشان داد، وضعیت عشایر با از دست دادن اشتغال پایدار و وابستگی به مشاغل ناپایدار بدتر شده است. در ابعاد اقتصادی و اجتماعی وضعیت عشایر اسکان‌یافته در کانون‌های هدایتی نسبت به کانون‌های خودجوش بهتر بوده است. قاسمی (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان ارزیابی اثرات اقتصادی- اجتماعی طرح اسکان عشایر در کانون محسن آب استان ایلام، بیان کرده است که در وضعیت اسکان نسبت به وضعیت کوچ‌نشینی تعداد دام سبک (گوسفند و بز) عشایر اسکان‌یافته کاهش داشته، میزان دسترسی آن‌ها به عوامل تولید (مانند نهاده‌ها و اعتبارات بانکی) و خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی بهبود یافته، میزان تولید محصولات دامی کاهش یافته و سطح زیر کشت آبی و دیم بیشتر شده است. جیائو و همکاران (۲۰۱۷)، با استفاده از چارچوب معیشت پویا، ۴۱۴ خانوار در ۱۵ روستای کامبوج را در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ بررسی کردند. نتایج نشان داد خانوارهای روستایی از پنج راهبرد معیشتی مستقل پیروی می‌کنند. فرصت‌ها، مشوق‌ها و فشارها باعث تغییر معیشت ۷۰ درصد از خانوارهای روستایی طی زمان شده است. رودریگز^۲ (۲۰۱۷)، در کتاب خود، راهبردهای توسعه معیشت در منطقه آمازون برزیل را دو دسته راهبرد شامل دامپروری و تنوع محوری معرفی می‌نماید که ساکنان منطقه مورد مطالعه از طریق آن‌ها امرار معاش نموده‌اند. اسپایسر^۳ (۱۹۹۹)، در تحقیقی با عنوان ارزیابی و دسترسی به خدمات بهداشتی در شمال باختری اردن، چنین نتیجه کرد که در اردن بعد از اسکان تعدادی از عشایر، رمه گردانی توأم با اسکان به عنوان راهی مناسب جهت توسعه زندگی عشایر انتخاب شده است.

همان‌طور که مشخص است، در اکثر پژوهش‌های انجام شده در باب معیشت پایدار کمتر به ابعاد و زمینه‌های شکل دهنده آن خصوصاً در جوامع عشایری توجه شده است. همچنین به دلیل گرایش بیشتر محققان به پژوهش در خصوص ایلات و طوایف بزرگ کشور که در مرکز و جنوب کشور استقرار دارند، منابع علمی و قابل استناد در خصوص عشایر استان تهران کمتر در دسترس است. از آنجایی هم که مطالعه‌ای با مضمون پژوهش حاضر در شهرستان ملارد یافت نشد، بنابراین این نکات نوآوری و ضرورت انجام چنین پژوهشی را ایجاب می‌کند. عشایر شهرستان ملارد نیز به مثابه نمونه‌ای از عشایر استان تهران و عشایر کشور، از تمامی آنچه گفته شد مستثنی نبوده است. تصرف مراتع و ایل راه‌ها، هزینه بالای تولید، فقر مراتع، ایجاد مانع در ایل راه‌ها، نبود نظام خرید و توزیع محصولات، بروز حوادث غیرمترقبه، بیماری‌های دام، عدم توسعه هماهنگ با سایر جوامع به دلیل پراکندگی نقاط و کوچندگی و ... از جمله مشکلات عشایر ملارد می‌باشد. با وجود تمامی این مشکلات که از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است، در کنار گروه‌های عشایری اسکان‌یافته که صرفاً کوچ آنان به مناطق قشلاقی است، گروه‌های عشایری نیمه‌کوچنده که همچنان به بیلاق و قشلاق می‌پردازند، در شهرستان ملارد وجود دارد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل الگوهای مختلف زیستی در سامان‌های عشایری شهرستان ملارد در چارچوب رویکرد معیشت پایدار، بر آن است تا مقایسه‌ای از سرمایه‌های معیشتی پنج‌گانه انسانی، اجتماعی، فیزیکی، مالی و طبیعی در دسترس این الگوهای زیستی داشته باشد. در راستای هدف مذکور سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. متن جامعه عشایری شهرستان ملارد دارای چه الگوهای زیستی است؟
۲. دارایی‌های معیشتی در میان الگوهای زیستی عشایر شهرستان ملارد دارای چه وضعیتی است؟
۳. تحلیل فضایی وضعیت سرمایه‌ها در بین الگوهای زیستی عشایر شهرستان ملارد چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

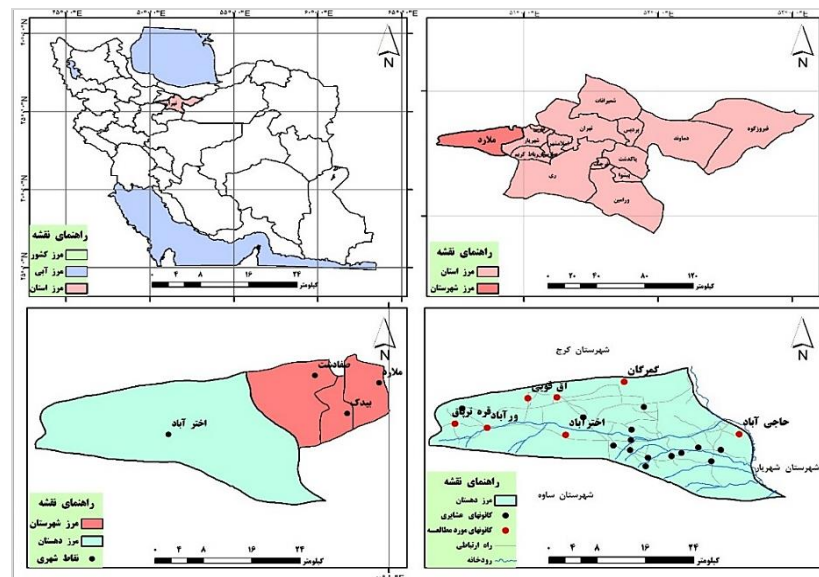
پژوهش پیش رو، به لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. جهت شناخت الگوهای مختلف زیستی عشایر شهرستان ملارد مصاحبه‌ای با معتمدان محلی و کارشناسان امور عشایری شهرستان به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی انجام گرفت. در این خصوص با ۱۰ نفر مصاحبه انجام شد. در تهیه پرسشنامه علاوه بر گردآوری مشخصات فردی پاسخگویان، گویه‌ها و سؤالات پرسشنامه در قالب پنج مؤلفه مطرح

1. Jiao
2. Rodrigues
3. Spicer
4. Snowball Sampling

در رهیافت معیشت پایدار با ۴۰ سؤال (شامل سرمایه انسانی با ۱۰ سؤال، سرمایه اجتماعی با ۸ سؤال، سرمایه فیزیکی با ۷ سؤال، سرمایه مالی با ۱۰ سؤال، سرمایه طبیعی با ۵ سؤال) و در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت^۱ تدوین شد. بنا بر میزان اهمیت، به هر گویه نمرات ۱ تا ۵ (خیلی کم با نمره ۱، کم با نمره ۲، متوسط با نمره ۳، زیاد با نمره ۴ و خیلی زیاد با نمره ۵)، داده شده و میانگین نمره به دست آمده برای هر گویه به عنوان وزن اولیه آن گویه در نظر گرفته می‌شود. سپس میانگین شاخص‌های سرمایه‌های معیشتی دو گروه عشایری به کمک آزمون تی استیودنت^۲ مقایسه شده‌اند. روایی پرسشنامه توسط اساتید و کارشناسان اداره امور عشایر مورد تأیید قرار گرفت. از روش آلفای کرونباخ نیز برای سنجش قابلیت اعتبار ابزار اندازه‌گیری، استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده از تعداد ۴۰ سؤال ۰/۸۵ است؛ بنابراین گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی (میدانی) با فن مصاحبه و پرسشنامه انجام گرفت. بدین صورت که برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز علاوه بر روش پرسشنامه خانوار، از داده‌های اولیه مانند مصاحبه با ساکنین و نیز مطلعین و متخصصین آشنا با شرایط و ضوابط حاکم بر منطقه، داده‌های ثانویه مستخرج از منابع اطلاعاتی سازمان‌ها و نهادهای دیگر از قبیل مرکز آمار، جهاد کشاورزی، شبکه بهداشت و درمان شهرستان ملارد، سازمان امور عشایری استان تهران و شهرستان ملارد، کتابخانه‌ای استفاده گردید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

مطابق شکل (۱)، شهرستان ملارد در استان تهران، دارای چهار دهستان به نام‌های اخترباد، بی‌بی سکنه، ملارد جنوبی و ملارد شمالی است. عشایر این شهرستان در دهستان اخترباد از توابع بخش صفادشت، در مختصات جغرافیایی $50^{\circ} 30' 0''$ تا $50^{\circ} 50' 0''$ طول شرقی از $30''$ تا $35^{\circ} 28' 0''$ عرض شمالی، استقرار یافته‌اند (سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی کانون‌های عشایری محدوده مورد مطالعه

در این دهستان جمعیتی متشکل از ۴ ایل و ۲۰ طایفه در قالب ۱ زیست‌بوم، ۲ سامانه، ۲۱ سامان و ۷ کانون توسعه حمایتی مستقر می‌باشند. طبق آمار شبکه بهداشت و درمان شهرستان در سال ۱۴۰۰، جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه عشایر اسکان‌یافته و عشایر نیمه‌کوچنده مجموعاً با تعداد ۵۲۰ خانوار (۲۱۰۰ نفر) بوده است. با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۷ خانوار و طبق فرمول اصلاح‌شده آن ۱۲۶ خانوار به عنوان

1. Likert Scale
2. Student-T-test

۳. فرمول اصلاح شده کوکران جهت تعدیل و کاهش نمونه در مواقعی است که تعداد نمونه به دست آمده برای جامعه آماری از ۵ درصد کل حجم جامعه آماری بیشتر باشد (پهلوانی، ۱۳۹۲: ۸۵).

حجم نمونه تعیین شد (معادله ۱). در این فرمول N تعداد کل خانوار بخش؛ t^2 (درصد احتمال صحت گفتار) برابر با ۹۵ درصد؛ d^2 درجه خطا (۰/۵) و P احتمال وجود صفت (۰/۷) است.

$$n = \frac{\frac{(t)^2 \times pq}{(d)^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{(t)^2 \times pq}{(d)^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/8) \times (0/2)}{(0/5)^2}}{1 + \frac{1}{520} \left[\frac{(1/96)^2 \times (0/8) \times (0/2)}{(0/5)^2} - 1 \right]} = 167 \quad n = \frac{n'}{1 + \frac{n'}{N}} = \frac{16}{1 + \frac{167}{520}} = 126 \quad \text{معادله (۱)}$$

مطابق جدول شماره (۱)، با توجه به تعداد زیاد کانون‌های عشایری، تنها از بین کانون‌های بالای ۳۰ خانوار با تعداد ۷ کانون و از هر گروه ۶۳ خانوار، بدین منظور انتخاب گردید.

جدول ۱. تعداد نمونه برآورد شده

کانون عشایری	آق قومی	احمدآباد علیزاده	اخرآباد	اکرم‌آباد	الشارباد	امیرآباد کلاهچی	چاقو	حاجی‌آباد	حسن‌آباد علیزاده	زین‌آباد	شیرین‌آباد	علی‌آباد	قره تریاق	قورگان	گوی باغ	محمدآباد قشقلو	محمدآباد نانینی‌ها	نورآباد	ورآباد	ولی‌آباد	یوسف‌آباد	مجموع
خانوار	۴۲	۱	۹۰	۱۴	۱۰	۵	۳۶	۴۰	۱۰	۲۹	۲	۳	۱۰۲	۳۸	۳۷	۳۲	۵	۴	۳۳	۶	۲	۵۲۰
نمونه	۱۴	—	۳۰	—	—	—	—	۱۴	—	—	—	—	۳۴	۱۲	—	۱۰	—	—	۱۲	—	—	۱۲۶

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

در الگوی معیشتی-زیستی عشایر ملارد، دو الگوی زیست یعنی اسکان و کوچ دنبال می‌شود. عده‌ای از گروه عشایر اسکان‌یافته دامی ندارند و عده دیگری که دام دارند، دام‌هایشان یا به همراه چوپانان یا تعدادی از افراد ذکور خانواده و یا از طریق خویشاوندان کوچ داده می‌شوند. بخشی از آنان به رمه گردانی دام در مراتع پیرامون کانون‌های استقرار بسنده می‌کنند و در مواردی نیز از شیوه‌های متفاوت مانند اجاره اراضی استفاده می‌کنند. این گروه در کنار دامداری فعالیت‌های کشاورزی و خدماتی نیز انجام می‌دهند. در گروه عشایر نیمه‌کوچنده، آنان خانه‌های خود را در یکی از قطب‌های استقرار (منطقه ییلاق، قشلاق یا میان‌بند) بنا می‌کنند. این عده بیشتر در مناطق قشلاقی دارای خانه‌اند و مدت اقامت در قشلاق بیش از ییلاق است (۹ ماه در قشلاق و ۳ ماه در ییلاق). در این شیوه کوچ، دام‌ها توسط افراد ذکور خانواده کوچ داده می‌شوند. حرکت دام‌ها به‌منظور بهره‌برداری از مراتع در مسیر ایل راه‌ها، پیاده صورت می‌گیرد و تعداد محدودی از جمعیت دامی با ماشین حمل می‌شود. تأمین معاش متکی بر دامداری بوده و اگر منابع دیگری مانند زراعت و باغداری برای معاش وجود داشته باشد حالت فرعی و جنبی دارد. به لحاظ جنسیت، از گروه عشایر اسکان‌یافته ۸۶ درصد را مردان و ۱۴ درصد را زنان و از گروه عشایر نیمه‌کوچنده ۷۸ درصد را مردان و ۲۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سنی عشایر اسکان‌یافته ۴۲/۹۱ است که ۳۵ درصد آنان در محدوده سنی ۳۶-۴۵ سال قرار داشتند. میانگین سنی عشایر نیمه‌کوچنده ۴۲/۳۲ می‌باشد که ۳۲ درصد آنان در محدوده سنی ۴۶-۵۵ سال قرار داشتند. طول اقامت عشایر اسکان‌یافته ۴۵/۷۴ سال و عشایر نیمه‌کوچنده ۴۵/۳۷ سال است.

یافته‌های تحلیلی-استنباطی

خروجی نهایی هر یک از دارایی‌ها و سرمایه‌های پنج‌گانه معیشتی در بین الگوهای مختلف زیستی عشایر شهرستان ملارد به شرح ذیل است:

۱- سرمایه انسانی

- دانش

۴۳ و ۳۸ درصد از تحصیلات سرپرست خانواده عشایر اسکان‌یافته و نیمه‌کوچنده ابتدایی است. ۳۷ درصد از سطح تحصیلات همسر عشایر اسکان‌یافته ابتدایی و عشایر نیمه‌کوچنده ۴۶ درصد بدون تحصیلات بودند. در گروه عشایر اسکان‌یافته با ۳۸ درصد و نیمه‌کوچنده با ۴۲ درصد، تحصیلات فرزند اول در سطح ابتدایی است. در عشایر اسکان‌یافته تحصیلات فرزند دوم در سطح دبیرستان با ۲۷ درصد و عشایر نیمه‌کوچنده با ۳۳ درصد در سطح راهنمایی است.

- مهارت

مطابق جدول شماره (۲)، مهارت بیشتر اسکان‌یافتگان، در کشاورزی و نیمه‌کوچندگان در دامداری است. بدین صورت که بیشترین و کمترین مهارت در عشایر اسکان‌یافته، به ترتیب مهارت در کارهای کشاورزی (۴/۱۹) و فعالیت‌های دامداری (۲/۳۵) بوده است. در عشایر نیمه‌کوچنده بیشترین و کمترین مهارت به ترتیب مهارت در فعالیت‌های دامداری (۴/۰۶) و کشاورزی (۲/۵۲) است.

جدول ۲. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش مهارت

عشایر نیمه‌کوچنده	عشایر اسکان‌یافته	گویه
		میانگین
۳/۰۰	۴/۱۳	مهارت در کار دامداری صنعتی
۳/۷۹	۲/۷۵	آگاهی از فنون مربوط به تغذیه دام
۴/۰۶	۲/۳۵	مهارت در انجام فعالیت‌های دامداری
۲/۵۲	۴/۱۹	مهارت در انجام کارهای کشاورزی

- بهداشت

مطابق جدول شماره (۳)، هر دو الگوی زیست آگاهی از آموزش‌های همگانی بهداشتی میانگین بالاتری دارد. آگاهی از آموزش‌های بهداشتی در گروه عشایر اسکان‌یافته (۳/۹۵) و نیمه‌کوچنده (۴/۱۰) میانگین بالاتری داشت.

جدول ۳. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش بهداشت

عشایر نیمه‌کوچنده	عشایر اسکان‌یافته	گویه
		میانگین
۴/۱۰	۳/۹۵	آگاهی از آموزش‌های همگانی بهداشتی
۳/۷۹	۳/۷۳	مراجعه به پزشک در سال
۲/۶۰	۲/۸۴	توان تأمین هزینه‌های بهداشت و درمان

۲- سرمایه اجتماعی

- مشارکت

مطابق جدول شماره (۴)، عشایر اسکان یافته و نیمه کوچنده به ترتیب در انجام کارهای مهم و احیای مراتع مشارکت بیشتری دارند. بدین صورت که عشایر اسکان یافته در انجام کارهای مهم با میانگین (۳/۴۶) و عشایر کوچنده در طرح‌های اصلاح و احیای مراتع با میانگین (۳/۸۴)، با یکدیگر مشارکت بیشتری داشتند.

جدول ۴. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش مشارکت

عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
	میانگین	
۲/۹۷	۳/۴۶	مشورت در کارهای مهم یکدیگر
۳/۶۲	۲/۲۴	مشارکت در حل اختلاف زمین و مرتع
۳/۸۴	۱/۹۷	مشارکت در طرح‌های اصلاح و احیای مراتع

- تعامل و همبستگی اجتماعی

مطابق جدول شماره (۵)، در مؤلفه تعامل و همبستگی اجتماعی، عشایر اسکان یافته به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را برای گویه‌های حضور در مراسم شادی و جشن یکدیگر با میانگین (۳/۴۸) و پیدا کردن گوسفندان مفقود شده با میانگین (۲/۰۸) قائل بودند. عشایر نیمه کوچنده نیز به ترتیب اهمیت بیشتر و کمتری برای گویه‌های کمک در چرای گوسفندان (۴/۲۵) و شرکت در مراسم عزای یکدیگر (۲/۳۷)، قائل بودند.

جدول ۵. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش تعامل و همبستگی اجتماعی

عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
	میانگین	
۲/۴۳	۳/۴۸	شرکت در مراسم شادی و جشن یکدیگر
۲/۳۷	۳/۳۸	شرکت کردن در مراسم عزای یکدیگر
۲/۸۷	۳/۴۰	کمک مالی به همدیگر
۴/۲۵	۲/۱۱	همکاری و کمک در چرای گوسفندان
۳/۹۷	۲/۰۸	همکاری در پیدا کردن گوسفندان مفقود شده

۳- سرمایه فیزیکی

- وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات

مطابق جدول شماره (۶)، بر اساس دسترسی به خدمات و امکانات، عشایر اسکان یافته به ترتیب، به حمام و سرویس بهداشتی (۴/۰۶)، خانه بهداشت (۴/۰۲)، وسیله حمل و نقل (۴/۰۰)، امکانات گرمایشی (۳/۸۳) و سرمایشی (۳/۷۹)، دامپزشک (۳/۵۲) و آب جهت آبیاری مزارع کشاورزی (۳/۱۳)، دسترسی بیشتری داشتند. عشایر نیمه کوچنده نیز به ترتیب، به دامپزشک (۳/۴۸)، خانه بهداشت (۳/۰۸)، وسیله حمل و نقل (۳/۰۶)، حمام و سرویس بهداشتی (۳/۰۵)، امکانات گرمایشی (۲/۹۰) و امکانات سرمایشی (۲/۶۷)، آب جهت آبیاری مزارع کشاورزی (۲/۵۱)، دسترسی بیشتری داشتند. طبق نتایج وضعیت دسترسی عشایر اسکان یافته به خدمات و امکانات بهتر از عشایر نیمه کوچنده است.

جدول ۶. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات

عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
		میانگین
۳/۴۸	۳/۵۲	دامپزشک
۳/۰۸	۴/۰۲	خانه بهداشت
۳/۰۵	۴/۰۶	حمام و سرویس بهداشتی مناسب
۲/۹۰	۳/۸۳	امکانات گرمایشی
۲/۶۷	۳/۷۹	امکانات سرمایشی
۳/۰۶	۴/۰۰	وسیله حمل و نقل به شهر مانند خودرو، موتورسیکلت
۲/۵۱	۳/۱۳	میزان دسترسی به آب جهت آبیاری مزارع کشاورزی

۴- سرمایه مالی

- هزینه‌های سالیانه

مطابق جدول شماره (۷)، بالاترین میانگین هزینه عشایر اسکان یافته مربوط به دامداری با میانگین (۴/۳۰) بود و با اختلاف اندک هزینه‌های کشاورزی در مرتبه بعدی با میانگین (۴/۱۶) قرار گرفت. در گروه عشایر نیمه کوچنده هزینه‌های دامداری با میانگین (۴/۱۳) و خرید علوفه با میانگین (۳/۳۷) بالاترین میانگین هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۷. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش هزینه

عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
		میانگین
۴/۱۳	۴/۳۰	هزینه‌های دامداری
۳/۳۳	۳/۹۴	هزینه‌های دامپروری
۳/۰۰	۴/۱۶	هزینه‌های کشاورزی
۳/۳۷	۳/۸۶	هزینه صرف شده جهت خرید علوفه
۳/۱۷	۳/۸۹	هزینه‌های بهداشت و درمان و بیمه

- کیفیت اشتغال و درآمد

مطابق جدول شماره (۸)، به ترتیب ۲۴ نفر و ۳۶ نفر در فعالیت‌های دامداری و کشاورزی به صورت تلفیقی اشتغال دارند. در گروه عشایر اسکان یافته و نیمه کوچنده ۱۴/۲۹ و ۱۲/۷۰ درصد در شرکت‌های صنعتی، ۱۲/۷۰ و ۱۱/۱۱ درصد در مشاغل آزاد، ۲۰/۶۳ و ۹/۵۲ درصد در مشاغل کارگری، ۱۴/۲۹ و ۹/۵۲ درصد در دیگر فعالیت‌ها مشغول بوده‌اند. میزان رضایت از شغل فعلی عشایر اسکان یافته ۳/۷۸ و عشایر نیمه کوچنده ۱/۸۹ درصد ارزیابی شد. به عبارتی دیگر میزان رضایت از شغل فعلی در عشایر اسکان یافته با ۵۷/۱۴ درصد در سطح زیاد و در عشایر نیمه کوچنده با ۵۲/۳۸ درصد در سطح خیلی کم ارزیابی شد. میزان امید به آینده و پیشرفت شغلی در گروه عشایر اسکان یافته با ۴۴/۴۴ درصد در سطح زیاد و در گروه عشایر نیمه کوچنده با میزان ۵۳/۹۷ درصد در سطح خیلی کم ارزیابی شد.

جدول ۸. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش کیفیت اشتغال و درآمد

عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
میانگین	میانگین	
۱/۸۹	۳/۷۸	میزان رضایت از شغل فعلی
۱/۸۳	۳/۷۳	امید به آینده شغلی و پیشرفت شغلی

- دام

مطابق جدول شماره (۹)، در خصوص تعداد دام، عشایر اسکان یافته به طور متوسط دارای ۴۴/۸۰ رأس گوسفند، ۳۲/۹۲ رأس بز و ۳۷/۸۴ رأس گاو می‌باشند. عشایر نیمه کوچنده نیز به طور متوسط دارای ۴۱/۳۵ رأس گوسفند، ۳۴/۷۳ رأس بز و ۳۰/۰۰ رأس گاو هستند.

جدول ۹. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش تعداد دام

عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
میانگین	میانگین	
۴۱/۳۵	۴۴/۸۰	گوسفند و بره
۳۴/۷۳	۳۲/۹۲	بز و بزغاله
۳۰/۰۰	۳۷/۸۴	گاو و گوساله

- مالکیت زمین

میانگین اراضی کشاورزی عشایر اسکان یافته (۵/۸۵) هکتار و عشایر نیمه کوچنده نیز میانگین اراضی کشاورزی (۵/۶۸) هکتار می‌باشد. در این میان به ترتیب ۳۹ و ۶۹ درصد از عشایر اسکان یافته و نیمه کوچنده دارای پروانه چرا هستند.

۵- سرمایه طبیعی

- قابلیت زمین

مطابق جدول شماره (۱۰)، در گروه عشایر اسکان یافته میانگین میزان حاصلخیزی خاک مزرعه (۳/۰۲) و در گروه عشایر نیمه کوچنده (۳/۲۴) بوده است. میانگین کیفیت علوفه مرتعی در گروه عشایر اسکان یافته و نیمه کوچنده به ترتیب (۲/۶۷) و (۳/۲۵) است.

جدول ۱۰. ویژگی‌های توصیفی گویه‌های سنجش قابلیت زمین

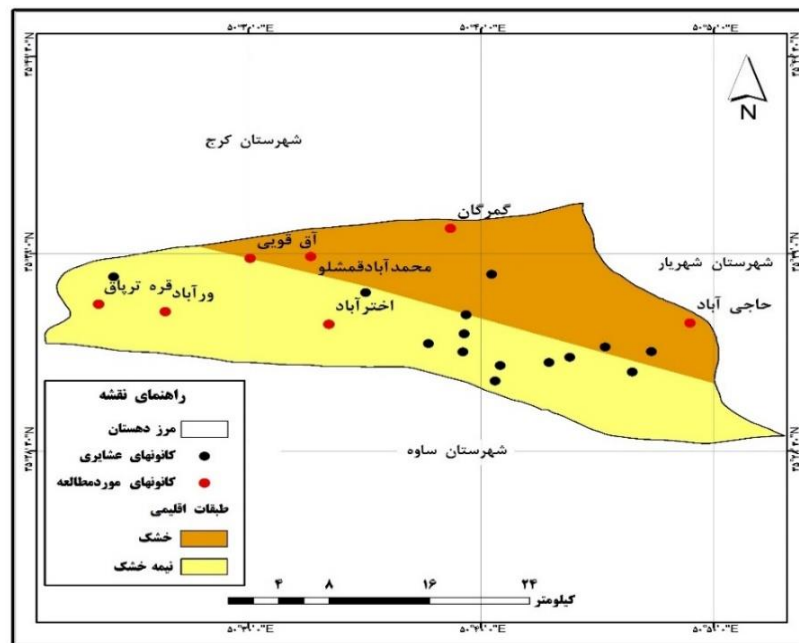
عشایر نیمه کوچنده	عشایر اسکان یافته	گویه
میانگین	میانگین	
۳/۲۴	۳/۰۲	میزان حاصلخیزی خاک مزرعه
۳/۲۵	۲/۶۷	کیفیت علوفه مرتعی

– اقلیم منطقه

بررسی جدول شماره (۱۱) و شکل طبقات اقلیمی شماره (۲)، گویای این موضوع است که بیشترین پراکندگی نقاط عشایری در مناطق نیمه‌خشک بوده است. از کانون‌های عشایری مورد مطالعه ۴ کانون (آق قویی، گمرگان، محمدآباد قمشلو، حاجی‌آباد) در اقلیم خشک و ۳ کانون (قره ترپاق، ورآباد، اخترآباد) در اقلیم نیمه‌خشک قرار گرفته‌اند.

جدول ۱۱. طبقات اقلیمی و پراکندگی کانون‌های عشایری دهستان اخترآباد

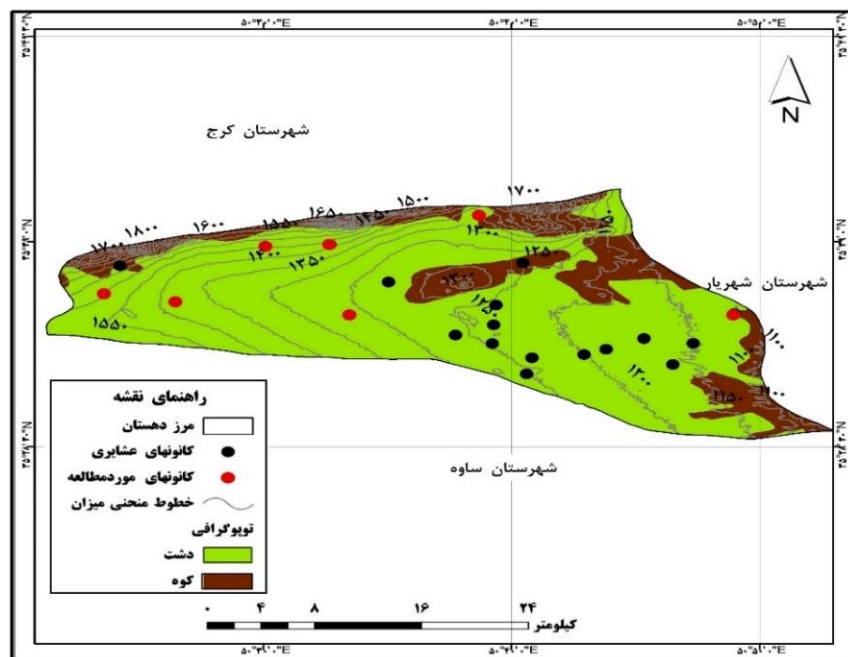
طبقات اقلیمی	مساحت (هکتار)	درصد مساحت	تعداد کانون‌ها	درصد
خشک	۲۳۹۵۹/۰	۴۰/۲	۷	۳۳/۴
نیمه‌خشک	۳۵۷۱۲/۱	۵۹/۸	۱۴	۶۶/۶



شکل ۲. طبقات اقلیمی و پراکندگی کانون‌های عشایری دهستان اخترآباد

– توپوگرافی

دهستان اخترآباد به دو منطقه کوهستانی و دشتی تقسیم می‌شود و کوه‌های معروف آن کردلو با ارتفاع ۱۶۰۵ متر، کفترو با ارتفاع ۱۴۷۶ متر و جارو با ارتفاع ۲۰۵۰ متر می‌باشد. بررسی شکل شماره (۳)، منحنی‌های میزان شهرستان ملارد نشان می‌دهد که بخش شمال غرب این دهستان نسبت به بخش‌های دیگر آن از ارتفاع بیشتری برخوردار است. این بخش قسمت‌های جنوبی کوه‌های تارزو و تاوره را شامل می‌شود. ارتفاع اراضی از غرب و شمال غربی به سوی شرق و جنوب شرقی کاسته می‌شود، به گونه‌ای که در منتهی‌الیه قسمت جنوب شرقی ارتفاع اراضی به ۱۰۰۰ متر نزدیک می‌شود.



شکل ۳. توپوگرافی دهستان اخترآباد

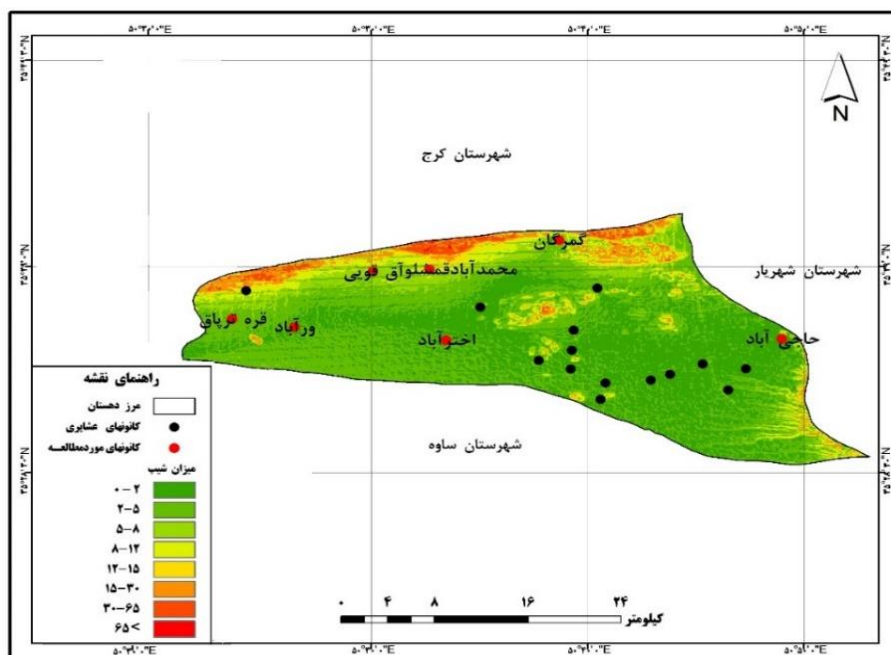
– طبقات شیب

در جدول شماره (۱۲)، خروجی شیب منطقه مورد مطالعه با استفاده از مدل رقومی ارتفاعی DEM انجام گرفته است. سپس تصویر حاصله با توجه به کاربردهای مختلف شیب و دستورالعمل موجود در ۸ طبقه تقسیم‌بندی شد.

جدول ۱۲. مساحت طبقات شیب اراضی دهستان اخترآباد

طبقات	محدوده شیب	مساحت شیب (هکتار)	درصد مساحت	تعداد کانون‌ها	درصد
کم	۰-۲	۲۲۲۷۴/۴	۳۷/۳	۸	۳۸
	۲-۵	۲۲۵۳۴/۳	۳۷/۸	۳	۱۴
متوسط	۵-۸	۶۱۲۰/۲	۱۰/۲	۲	۱۰
	۸-۱۲	۳۶۸۲/۳	۶/۱	۴	۱۹
زیاد	۱۲-۱۵	۱۳۹۲/۱	۲/۳	۴	۱۹
	۱۵-۳۰	۲۶۸۸/۷	۴/۵	۰	۰

اراضی دارای شیب کمتر از ۵ درصد با سطحی معادل ۷۵/۱ درصد از مساحت محدوده مورد مطالعه را شامل می‌شود، این امر نشان‌دهنده آن است که بیشتر سطح دهستان هموار بوده است. مطابق شکل شماره (۴)، از تعداد ۷ کانون عشایری مورد مطالعه حاجی‌آباد در شیب بین ۰-۲ درصد؛ قره ترپاق، وراآباد و اخترآباد در شیب بین ۲-۵ درصد؛ گمرگان، محمدآباد قمشلو و آق قویی در شیب بین ۱۲-۱۵ درصد قرار گرفته‌اند.



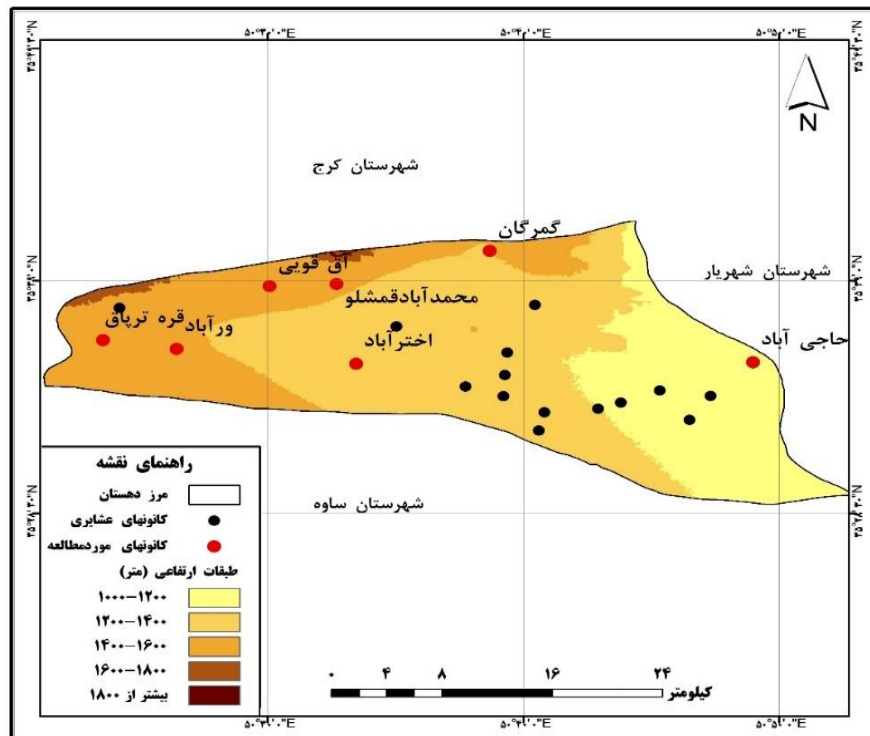
شکل ۴. طبقات درصد شیب اراضی دهستان اخترآباد

– طبقات ارتفاعی

برای بررسی خصوصیات توپوگرافی دهستان شکل رقومی شده طبقه‌های ارتفاعی به فاصله طبقه ۲۰۰ متر تهیه و اولین طبقه آن ۱۲۰۰-۱۰۰۰ متر از سطح دریا و آخرین طبقه آن بیش از ۱۸۰۰ متر از سطح دریا انتخاب گردید. بدین ترتیب در مجموع ۵ طبقه ارتفاعی برای دهستان مشخص شد. بررسی جدول شماره (۱۳)، طبقات ارتفاعی دهستان مؤید این نکته اساسی است که بیشترین سطح دهستان در طبقه ارتفاعی ۱۲۰۰-۱۴۰۰ متر قرار دارد که مساحتی برابر با ۴۶/۴ درصد از کل محدوده را در بر گرفته است و کمترین سطح ارتفاعی مربوط به طبقه بیش از ۱۸۰۰ متر با مساحت ۴۰/۱ هکتار می‌باشد که تنها ۰/۱ درصد از مساحت دهستان را به خود اختصاص داده است. بر اساس شکل شماره (۵)، از مجموع ۷ کانون عشایری مورد مطالعه، تنها کانون حاجی‌آباد در محدوده طبقاتی ۱۲۰۰-۱۴۰۰ متر قرار دارد. کانون‌های اخترآباد و گمرگان در محدوده طبقات ۱۲۰۰-۱۴۰۰ متر و کانون‌های قره‌ترپاق، ورآباد، آق‌قویی و محمدآباد قمشلو در طبقات ارتفاعی ۱۶۰۰-۱۸۰۰ متر قرار گرفته‌اند. نواحی که در حد فاصل طبقات ارتفاعی ۱۴۰۰-۱۰۰۰ متر قرار گرفته‌اند از قابلیت خوبی به لحاظ توسعه برخوردارند. نواحی مسکونی که در طبقات ارتفاعی بیش از ۱۴۰۰ متر واقع شده‌اند جهت توسعه و خدمات‌رسانی دچار محدودیت‌ها و حساسیت‌های اکولوژیک می‌باشند و برنامه‌ریزی در این نواحی مشکل است و هزینه‌ها را بالا می‌برد.

جدول ۱۳. مساحت طبقات ارتفاعی دهستان اخترآباد

طبقات	محدوده طبقات (متر)	مساحت شیب (هکتار)	درصد مساحت	تعداد کانون‌ها	درصد
۱	۱۲۰۰-۱۰۰۰	۱۵۶۷۴/۴	۲۶/۲	۷	۳۳/۴
۲	۱۴۰۰-۱۲۰۰	۲۷۷۱۳/۹	۴۶/۴	۱۰	۴۷/۶
۳	۱۶۰۰-۱۴۰۰	۱۵۵۷۱/۷	۲۶/۰	۴	۱۹
۴	۱۸۰۰-۱۶۰۰	۶۷۸/۷	۱/۳	۰	۰
۵	> ۱۸۰۰	۴۰/۱	۰/۱	۰	۰



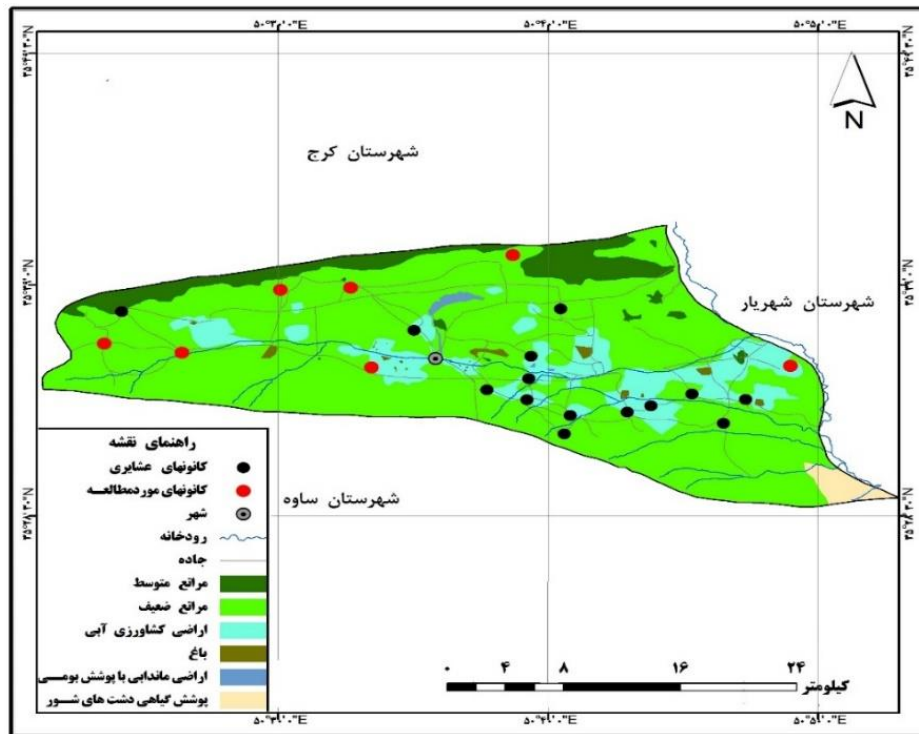
شکل ۵. طبقات ارتفاعی دهستان اخترآباد

- جنگل

گیاهان صحرایی منطقه مذکور اکثراً سمی و دارای ارزش علوفه‌ای پایین بوده و قسمت‌های وسیعی، از مراتع و گیاهان غیر خوش‌خوراک مانند اسپند و سایر گیاهان تیغ‌دار پوشانده شده است. در پوشش گیاهی این مراتع می‌توان گیاهان قشلاقی، شقایق‌های وحشی در دامنه جنوبی کوه‌های جارو، گون، انواع علف‌های شور (مانند امولا، سامولا، سالیکورنیا، خارشتر و ...) و انواع گراس‌ها، سبذ، پوآ، برسوس‌های یک ساله پوتان (خارهای بیابانی) گونه‌های دیگر مشاهده نمود؛ اما گیاهان دیگری مانند گل‌های وحشی و یونجه بیابانی وجود دارد که از آن‌ها می‌توان برای خوراک دام‌ها استفاده کرد ولی یونجه که علوفه اصلی دام به شمار می‌رود و مورد نیاز دامداران می‌باشد آن را کشت می‌کنند و همین‌طور از کاه و کنسانتره (ذرت، جو، آرد) استفاده می‌نمایند. از گیاهان خوراکی صحرایی می‌توان محصولات زراعی و باغی را نام برد که در این دهستان کشت می‌شود. محصولات زراعی عبارت‌اند از گندم، جو، ذرت علوفه‌ای، پنبه، یونجه و ... محصولات باغی عبارت‌اند از درختان انار، پسته، زیتون، سنجد، سیب گوجه‌سبز، زردآلو، هلو، شلیل، گلابی، گردو، آلبالو، انگور و خرمالو.

- مراتع

وسعت مراتع این شهرستان ۴۰۰۰۰ هکتار مراتع قشلاقی عشایر است و تعداد بهره‌بردار مراتع قشلاقی ۲۷۰ خانوار با سرانه ۱۵۳/۳ می‌باشد. مراتع و علفزارهای دهستان از نظر مرغوبیت به عنوان مراتع درجه ۳ (متوسط) و ۴ (ضعیف) تقسیم می‌شوند. مالکیت این مراتع متعلق به منابع طبیعی است و با استفاده از پروانه چرا بهره‌برداران از آن استفاده می‌کنند. زمان ورود به مراتع از سوی منابع طبیعی تعیین می‌گردد و برحسب پوشش گیاهی اجازه ورود به دامداران داده می‌شود. عشایر این دهستان فاقد مرتع بیلاقی بوده و دام سبک خود را به پس چر مزارع کرج، نظرآباد، ساوه و اسلامشهر می‌برند. به عبارتی عشایر محدوده مورد مطالعه زمین‌ها را در مناطقی مانند باغات اطراف شهریار، شهرهای هشتگرد، قزوین، طالقان، کرج، دماوند، جاده چالوس، بالای دیزین، جهت تعلیف دام اجاره می‌کنند. بررسی شکل شماره (۶)، پوشش گیاهی دهستان اخترآباد حاکی از آن است که حدود ۱۷ درصد از اراضی این دهستان به فعالیت کشاورزی از نوع زراعت و باغداری اختصاص یافته است.



شکل ۶. توزیع کاربری اراضی وضع موجود دهستان اخترباد

– منابع آب‌های سطحی

دهستان اخترباد فاقد آب‌های سطحی دائمی می‌باشد و تنها رودخانه فصلی که از این دهستان عبور می‌کند، رودخانه شور یا شور چای است که در تابستان‌ها خشک و در بقیه فصول سال، آب در آن کم‌وبیش جریان دارد. با توجه به درصد بالای نمک آب این رودخانه (۱۷۰۰ میلی‌متر بر سانتی‌متر) قابلیت استفاده در فعالیت‌های کشاورزی را ندارد. درحالی‌که شوری آب مورد نیاز گیاه باید بین ۴۰۰۰ – ۲۰۰۰ میلی‌متر بر سانتی‌متر باشد (پوشش گیاهی اطراف رودخانه شور بیشتر از نوع گز می‌باشد). از طرفی دیگر آلودگی رودخانه شور در اثر جاری شدن پساب کارخانه‌های استان البرز موجب آلودگی محیط‌زیست منطقه شده و مشکلاتی را برای دام‌های عشایر به وجود آورده است.

– منابع آب‌های زیرزمینی

دهستان اخترباد دارای ۱۳ حلقه چاه عمیق، ۵۵ حلقه چاه نیمه عمیق، ۲۴ رشته چشمه و ۴۸ رشته قنات (۳۸ رشته فعال و ۱۰ رشته نیمه فعال با آبدهی ۱۰٫۵ میلیون مترمکعب در سال که اکثر آن‌ها به نام همان روستایی که در آن است، نامیده می‌شوند) می‌باشد که از این طریق مزارع کشاورزی آبیاری شده و همین‌طور تا قبل از برخورداری روستاها از امکانات آبلوله‌کشی، از آب قنات برای مصارف خانگی نیز استفاده می‌کردند. وجود و عمر این چشمه‌ها به میزان بارش‌های جوی و مقدار آب در سفره‌های سطحی بستگی دارد و وجود قنات را باید حاصل تلاش مستمر و بهره‌برداری درازمدت اقوام ساکن در منطقه از آب‌های زیرزمینی دانست.

مقایسه میانگین سرمایه‌های معیشتی میان دو گروه عشایر اسکان‌یافته و نیمه‌کوچنده

مطابق جدول شماره (۱۴)، در سرمایه انسانی بین دو الگوی زیست مورد مطالعه، با t برابر ۲/۹۳ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، عشایر اسکان‌یافته با میانگین ۳/۴۵ نسبت به عشایر نیمه‌کوچنده با میانگین ۳/۴۰ وضعیت بهتری دارند. در سرمایه اجتماعی، با مقدار آماره t برابر ۱/۹۶ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، عشایر نیمه‌کوچنده با میانگین ۳/۷۶ نسبت به عشایر اسکان‌یافته با میانگین ۳/۱۸ وضعیت بهتری دارند. در سرمایه فیزیکی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ با مقدار آماره t برابر ۱/۶۶، عشایر اسکان‌یافته با میانگین ۳/۸۳ نسبت به عشایر نیمه‌کوچنده با میانگین ۲/۹۸ وضعیت بهتری دارند. در سرمایه مالی بین دو الگوی زیست مورد مطالعه، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ با مقدار آماره t برابر ۲/۰۸ عشایر اسکان‌یافته با

میانگین ۳/۹۷ نسبت به عشایر نیمه‌کوچنده با میانگین ۲/۹۸ وضعیت بهتری دارند. در سرمایه طبیعی بین دو الگوی زیست مورد مطالعه، آماره t برابر ۲/۱۲- در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، عشایر نیمه‌کوچنده با میانگین ۱/۴۲ نسبت به عشایر اسکان‌یافته با میانگین ۱/۲۲ وضعیت بهتری دارند. میانگین کل دارایی‌های معیشتی عشایر اسکان‌یافته و نیمه‌کوچنده t ۱/۳۰ و سطح معنی‌داری ۰/۵۰ به ترتیب ۳/۱۳ و ۲/۹۱ است؛ بنابراین میانگین کل عشایر اسکان‌یافته بالاتر از عشایر نیمه‌کوچنده است.

جدول ۱۴. مقایسه میانگین سرمایه‌های معیشتی میان دو گروه عشایر

سرمایه‌ها	الگوی زیست	تعداد	میانگین وزنی	واریانس	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
انسانی	اسکان‌یافته	۱۲۶	۳/۴۵	۰/۷۷	۰/۸۴۹	۲/۹۳	۱۲۵	۰/۰۵
	نیمه‌کوچنده		۳/۴۰	۰/۷۶	۰/۸۴۲			
اجتماعی	اسکان‌یافته	۱۲۶	۳/۱۸	۱/۵۹	۱/۳۲۳	۱/۹۶	۱۲۵	۰/۰۵
	نیمه‌کوچنده		۳/۷۶	۱/۹۱	۱/۳۸۶			
فیزیکی	نیمه‌کوچنده	۱۲۶	۲/۹۸	۱/۵۵	۱/۲۰۱	۱/۶۶	۱۲۵	۰/۰۵
	اسکان‌یافته		۳/۹۷	۱/۸۹	۱/۳۵۳			
مالی	نیمه‌کوچنده	۱۲۶	۲/۹۸	۲/۳۳	۱/۳۸۶	۲/۰۸	۱۲۵	۰/۰۵
	اسکان‌یافته		۱/۲۲	۰/۳۵	۰/۳۷۶			
طبیعی	نیمه‌کوچنده	۱۲۶	۱/۴۲	۰/۴۱	۰/۴۰۹	-۲/۱۲	۱۲۵	۰/۰۵
	اسکان‌یافته		۳/۱۳	۱/۱۹	۱/۰۵۳			
مجموع	نیمه‌کوچنده	۱۲۶	۲/۹۱	۱/۳۹	۱/۰۴۵	۱/۳۰	۱۲۵	۰/۰۵
	اسکان‌یافته		۳/۴۵	۰/۷۷	۰/۸۴۹			

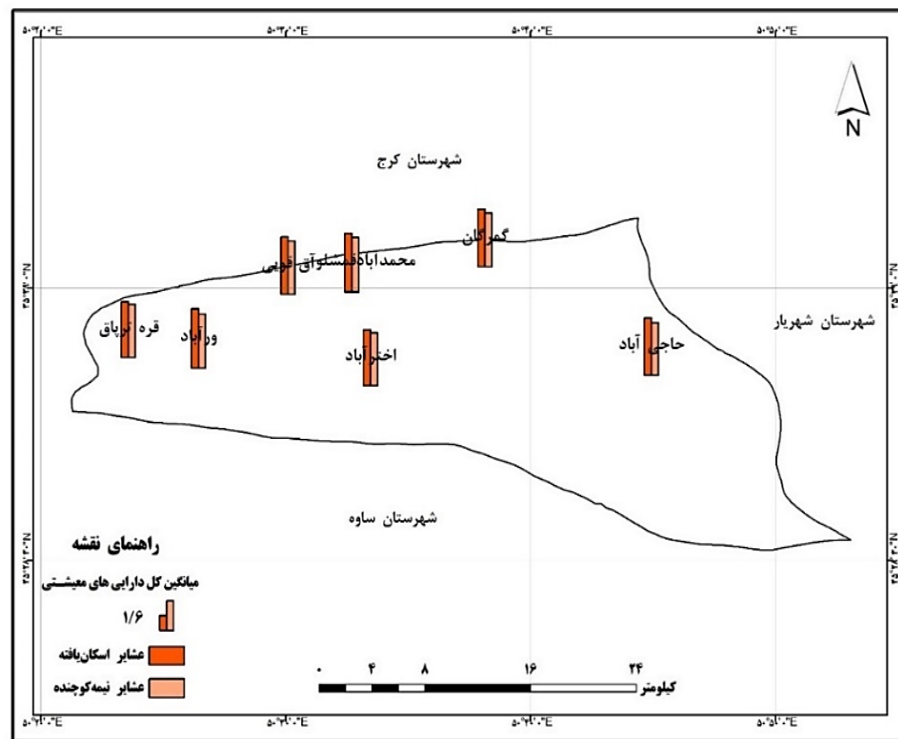
تحلیل فضایی وضعیت سرمایه‌ها در بین الگوهای مختلف زیست عشایری

میانگین دارایی‌های معیشتی به تفکیک نقاط عشایری به شرح جدول شماره (۱۵) است.

جدول ۱۵. میانگین کل دارایی‌های معیشتی به تفکیک کانون‌های عشایری

کانون	آق قویی	اختراباد	حاجی‌آباد	قره ترپاق	گمرگان	محمدآباد	ورآباد
الگوی زیست	اسکان‌یافته	نیمه‌کوچنده	اسکان‌یافته	نیمه‌کوچنده	اسکان‌یافته	نیمه‌کوچنده	اسکان‌یافته
میانگین	۳/۱۴	۲/۹۰	۳/۰۴	۲/۸۷	۳/۱۲	۲/۸۵	۳/۰۵
	۲/۹۴	۳/۲۳	۲/۹۷	۳/۱۸	۲/۹۳	۳/۱۴	۲/۹۴

طبق نتایج شکل شماره (۷)، میانگین کل دارایی‌های معیشتی عشایر اسکان‌یافته در تمامی ۷ کانون مورد مطالعه، بیشتر از عشایر نیمه‌کوچنده می‌باشد.



شکل ۷. توزیع میانگین کل دارایی‌های معیشتی به تفکیک کانون‌های عشایری

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو نشان داد که فرد یا خانوار چه دسترسی به انواع مختلف دارایی‌ها داشته، چگونه با تغییرات در محیط یا فرد، دسترسی به این سرمایه‌ها نیز تغییر می‌کند و چگونه دسترسی میان افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف متفاوت است. به گونه‌ای که از بین سرمایه‌های پنج‌گانه معیشت پایدار که قبلاً بدان‌ها اشاره شد، تنها ارزش سرمایه‌های اجتماعی و طبیعی عشایر نیمه‌کوچنده بالا بوده است. با توجه به این که میانگین کل دارایی‌های معیشتی عشایر اسکان‌یافته و نیمه‌کوچنده به ترتیب $(\frac{3}{13})$ و $(\frac{2}{91})$ است، بنابراین میانگین کل دارایی‌های عشایر اسکان‌یافته بالاتر از عشایر نیمه‌کوچنده بود. نتایج یا پیامدهای منفی و در حال افزایش این چالش‌ها و مسائل جامعه عشایری امروز که در این مقاله به برخی از آنان به صورت‌های متفاوتی چون پایین بودن سطح سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، پایین بودن میزان رضایت از شغل، دسترسی نامناسب به خدمات و امکانات، افزایش هزینه‌های سالیانه، عدم امنیت شغلی، پایین بودن میزان امید به آینده و پیشرفت شغلی، بلا تکلیفی و ... اشاره شد، در بین عشایر مخصوصاً عشایر کوچنده نمود بسیار آشکار و بارزی پیدا کرده است. بعید نیست که آشکارترین نمود این تغییر و تحول احساس خستگی از ادامه کوچ و ابراز علاقه به زندگی یکجانشینی باشد. امروزه میزان زندگی مبتنی بر کوچ کاهش یافته است. در ایران نگاهی به روند شدید کاهشی تعداد خانوارهای کوچ گرا، این ادعا را اثبات می‌کند. نتایج پژوهش پیش رو با یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته توسط شکور و رضایی (۱۳۸۹) مبنی بر بنیان‌های ضعیف مالی عشایر کوچنده، برتری دارایی‌های اجتماعی بر دارایی‌های انسانی توسط سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵) و بریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، کاهش تعداد دام سبک عشایر کوچنده بعد از اجرای طرح اسکان عشایر توسط قاسمی (۱۳۸۷) تا حدودی قرابت موضوعی داشته هر چند که در این مطالعات کمتر توجهی به تمامی شاخص‌های معیشت پایدار شده است.

عشایر بخشی از نظام فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران به شمار می‌آیند، گذار آنان از شیوه معیشتی دامداری سنتی و انتخاب شیوه معیشتی که بتواند نیازهای روز او را جابگو باشد و از خدمات مختلف نیز برخوردار گردد، یک مرحله حساس و مهم برای جامعه عشایر محسوب می‌شود.

شناخت این جوامع از حیث قابلیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و تنگناها و چگونگی تعامل آن‌ها برای کل‌نگری از ضروریات برنامه‌ریزی توسعه پایدار می‌باشد. از این رو ضرورت دارد، وضعیت پایداری زندگی جامعه عشایری به عنوان نظام اجتماعی پویایی که خود از زیر نظام‌های کلی‌تری تشکیل شده مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و در این راستا باید امکانات و دارایی‌های عشایر مشخص شود و الگویی بر اساس معیشت پایدار برای معیشت این قشر ارائه گردد. الگویی که از یک سو به پایداری محیط‌زیست کمک می‌کند و از سوی دیگر زمینه‌های بهبود زندگی عشایری را فراهم می‌سازد. به علاوه ضعف در تأمین امکانات معیشتی در بین عشایر، ضرورت ارائه راهبرد علمی و الگوی ساماندهی مناسب با تکیه بر مطالعات اقتصادی و اجتماعی را بیش از پیش آشکار می‌سازد که در چارچوب معیشت پایدار مؤلفه‌های مختلف آن مورد توجه قرار گرفته است پس کاربرد راهبرد معیشت پایدار بین جامعه عشایری مهم می‌باشد. با توجه به مجموعه مباحث مطرح شده در مقاله، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه شده است:

- برگزاری کلاس‌های مهارت افزایی، آموزشی و ترویجی برای چند کارکردی نمودن خانوارهای عشایری مؤثر است. عشایر به واسطه ارتباط نزدیک و مستقیمی که با طبیعت دارند با آموزش اصولی به شناسایی و کشت گیاهان دارویی، بسته‌بندی، عمل‌آوری و فروش آن‌ها برای کمک به اقتصاد خانواده روی آورند.
- با اعطای تسهیلات کم‌بهره در کنار آموزش، می‌توان عشایر را به پرورش بیشتر دام سبک، پرورش دام‌های پشمی، پرورش دام‌های گوشتی و حتی اصلاح نژاد دام تشویق کرد.
- با توجه به تأثیرگذاری تعداد واحد دامی بر درآمد عشایر، توسعه و ترویج دامپروری نیمه‌صنعتی و صنعتی بین عشایر به دلیل جلوگیری از تخریب مراتع و سودآوری آن و همچنین به منظور تثبیت و تقویت سهم عشایر در تولید پروتئین دامی و بهبود سطح درآمد آن‌ها توصیه می‌شود.
- اقتصاد عشایر بر پرورش دام، به‌ویژه گوسفند استوار است و پرورش اقتصادی این دام به مراتع، پس‌چراغی زراعی و محصولات فرعی نظیر کاه متکی است. از آنجا که بخش عمده هزینه‌های پرورش دام را هزینه‌های تغذیه تشکیل می‌دهد، بهره‌برداری از مراتع موجب کاهش هزینه‌های پرورش و سبب افزایش بازده اقتصادی این شیوه معیشتی می‌شود.
- می‌توان با مشارکت عشایر از طریق اصلاح روش‌های مدیریت، ایجاد نظام مناسب مرتع‌داری جهت افزایش بازدهی مراتع و ایجاد شرایط مناسب جهت ممانعت از چرای پیش‌رس، اقدام کرد. به این ترتیب نه تنها سرمایه اجتماعی بلکه با توجه به اهمیت منابع طبیعی در مناطق عشایری، سرمایه طبیعی نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

منابع

- بریمانی، فرامرز؛ راستی، هادی؛ رئیس، اسلام و محمدزاده، مسعود. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر بر معیشت خانوار در سکونتگاه‌های روستایی مورد: شهرستان قصرقند. *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*. ۶ (۱۸)، ۸۵-۹۶.
- پهلوانی، عزیز... (۱۳۹۲). بررسی حاشیه بازاریابی محصول پرتقال در شهرستان محمودآباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی اقتصاد کشاورزی منتشر شده. دانشکده کشاورزی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، آذربایجان شرقی، ایران.
- چراغی، طیب؛ پورسعید، علیرضا؛ اشراقی سامانی، رویا؛ آرایش، محمدباقر و واحدی، مرجان. (۱۳۹۹). تحلیل پایداری معیشت و شیوه سکنی‌گزینی عشایر در شهرستان ایلام، *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*. ۹ (۲)، ۸۹-۱۰۴.
- سجاسی قیداری، حمدا...؛ صادق‌قلو، طاهره و شکوری فرد، اسماعیل. (۱۳۹۵). سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*. ۵ (۱)، ۱۹۷-۲۱۶.
- شاطری، مفید و صادقی، حجت ا... (۱۳۹۱). واکاوی اثرات اقتصادی- اجتماعی اسکان خودجوش عشایر (مورد: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه استان خوزستان). *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی*. ۲ (۲)، ۱۰۵-۱۲۵.
- شکور، علی و رضایی، محمدرضا. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوه معیشت. *فصلنامه جغرافیای انسانی*. سال ۲ (۲)، ۱۲۳-۱۳۳.
- صادق زاده، مینا؛ اللهیاری، محمدصادق؛ انصاری، محمدحسین و نژاد رضایی، نیما. (۱۳۹۳). تحلیل پایداری اراضی شالیکاری شهرستان رشت با استفاده از رویکرد معیشت پایدار. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی*. ۶ (۲۴)، ۵۵-۷۰.

- قاسمی، رحمت. (۱۳۸۷). *ارزیابی اثرات اقتصادی- اجتماعی اسکان عشایر در محسن آب ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی منتشر شده. دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ ضیانوشین، محمد مهدی و خراسانی، محمد امین. (۱۳۸۹). *پایداری اقتصادی و رابطه آن با ویژگی‌های مکانی- فضایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان کوهین شهرستان کبودرآهنگ)*. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۳ (۲)، ۲۹-۱.
- مجموعه مصوبات شورای عالی عشایر. (۱۳۹۵). *آیین‌نامه ساماندهی عشایر کشور*. تهران: انتشارات آیندگان.
- مجموعه مصوبات شورای عالی عشایر. (۱۳۹۵). *برنامه راهبردی ساماندهی عشایر استان تهران در افق ۱۴۰۴*. تهران: نشر اداره مطالعات و برنامه‌ریزی امور عشایر استان تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سالنامه آماری استان تهران*. تهران: نشر سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان و دادورخانی، فزیه. (۱۳۸۸). *سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته نسبت به اسکان در چهارمحال و بختیاری*. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۲ (۳)، ۱۳۷-۱۶۲.
- ویسی، فرزاد؛ قربانی، محمد صدیق و داستوار، عدنان. (۱۳۹۶). *تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی مورد مطالعه: بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان*. فصلنامه پژوهش‌های روستایی. ۸ (۳)، ۵۳۵-۵۲۱.
- یاسوری، مجید. (۱۳۹۲). *عشایر و مسائل برنامه‌ریزی آن در ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات نشر وارسته.
- Carney, D. (1999). *Approaches to sustainable livelihoods for the rural poor*. (No.ODI Poverty Briefing 2), London: ODI. PP. 1-3.
- Chambers, R. (2005). *Ideas for Development: Reflecting Forwards*. London: Earth Scan Publication, IDS Working Paper.
- De Haan, L. & Zoomers, A. (2005). Exploring the Frontier of Livelihood Research. *Development and Change*, 36(1), 27-47.
- DFID. (1999). *Sustainable Livelihoods Guidance Sheet*. 94 Victoria Street, London: SW1E 5JL.
- Ellis, F. (1999). *Rural livelihood diversity in developing countries: evidence and policy implications*. London: ODI (Overseas Development Institute), London SW1E 5DP, UK
- Farrington, J., Carney, D., Ashley, C., & Turton, C. (1999). *Sustainable livelihoods in practice: early applications of concepts in rural areas*. London: ODI Working, Institute of Development Studies.
- Jiao, X., Pouliot, M., & Walelign, S. Z. (2017). Livelihood strategies and dynamics in rural Cambodia. *World Development*, 97, 266-278.
- Rodrigues, C. H. (2017). *Livelihood Strategies of Family Farmers in the Amazon Frontier of Mato Grosso Brazil*. Dissertação de mestrado-Graduate School of The University of Florida: Gainesville, <https://ufdc.ufl.edu/UFE0051532/00001>
- Spicer, N. (1999). *Pastoral Mobility, Sedentarization and Accessibility of Health Services in the Northeast Badia of Jordan*. London: Applied Geography.

How to Cite:

Molaei Hashjin, N. (2021). An Analysis of the Nomadic area of Ira. *Studies of Nomads Area Plannig*, 1(1), 59-76.

ارجاع به این مقاله:

نصراله، مولائی‌هشجین. (۱۴۰۰). تحلیلی پیرامون قلمرو کوچ‌نشینان ایران. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱ (۱)، ۵۹-۷۶.

Research Article

Analysis of nomadic livelihood systems with emphasis on sustainable livelihood approach (Case study: Nomadic centers of the Malard city)

Vahid Riahi^{1*} - Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran..

Asghar Tahmasebi - Assistant Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Somayeh Azizi - PhD Student, Department of Human Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Receive Date: 02 May 2021

Accept Date: 15 June 2021

ABSTRACT

Introduction Understanding nomadic communities in terms of capabilities, facilities, limitations and bottlenecks and how they interact is one of the necessities of sustainable development planning.

Purpose of the research: The aim of this study is to identify biological patterns in the framework of sustainable living approach, to compare the five human, social, physical, financial and natural livelihoods available to these biological patterns.

Methodology Using a modified Cochran's formula, 126 households were determined as the sample size. Data collection was done in the form of documents and surveys using interviews and questionnaires. Student-T-test was used to analyze the data in Spss23 software environment.

Geographical area of research The nomads of Mallard city in Tehran province, in Akhtarabad rural area of Safadasht district, have been established.

Results and discussion The biological patterns of Mallard County nomads are in two forms. One group of nomads is settled and the other group is semi-nomadic.

Conclusion The results showed that the average human capital index in the settled nomadic group was 3.45 and semi-nomadic nomads was 3.40. On the other hand, the social capital index in the semi-nomadic nomadic group with a value of 3.76 was higher than that of the settled nomads with a value of 3.18. The physical capital index was 3.83 and 2.98 in the group of settled and semi-nomadic tribes, respectively. The financial capital in the group of settled nomads was 3.97 and semi-nomadic nomads was 2.98. The average natural capital in these two groups was very small and was 1.22 and 1.42 in the settled nomadic group and semi-small in the nomadic group; Therefore, it can be said that the average social and natural capital of semi-nomadic tribes has been high. In addition, the total subsistence assets of the settled and semi-displaced nomads were 3.13 and 2.91, respectively.

KEYWORDS: livelihood system, Sustainable Livelihood, Nomadic Settlement, Nomadic system, Malard County.

¹ * Corresponding Author

riahi@khu.ac.ir